الباب الثانی و العشر من الواحد الخامس فی دفن الاموات…

حضرت باب

اصلی فارسی



## **الباب الثانی و العشر من الواحد الخامس** فی دفن الاموات فی الاحجار المرمر و جعل خواتیم العقیق فی ایدیهم.

ملخص این باب آنکه چون این جسد ظاهری عرش آن جسد باطنی است بر آنچه آن حکم میگردد این هم محکوم بحکم میگردد و الا آنکه متلذذ میگردد یا متألم او است باین جسد نه نفس این از این جهت است که خداوند از جهت آنکه عرش آن جسد بوده حکم فرموده در حق او بمنتهای حفظ او که آنچه سبب کره او گردد بر او وارد نیاید زیرا که جسد ذاتی بر عرش خود ناظر است بر این جسد و اگر عز این را مشاهده کند گویا او عزیز گشته و اگر دون این را مشاهده کند بر او وارد میآید آنچه وارد میآید از این جهت است که امر باعظام و احترام آن بغایت شده

و اذن داده شده که در بلور یا حجر مصیقل مستور گردد که شیئی که سبب کره جسد ذاتی او باشد در عرش خود ملاحظه ننماید این است ثمرۀ این امر کذلک یمن الله علی من یشاء من عباده انه هو المهیمن القیوم

و اذن بخاتم عقیق داده شده که از برکت آیه منقوشه بر آن حزنی بر آن جسد ذاتی وارد نیاید و از نار محتجب و در ظل نور مستقر باشد و هر کس بر ید آن باشد خاتمی که اسم الله بر او منقوش باشد اگر از مؤمنین ببیان است وعاملین بحدود آن حق است بر خداوند که او را داخل در جنات خود فرماید و از فضل و جود خود آنقدر بآن کرامت فرماید که راضی شود ﴿و من اصدق من الله حدیثا﴾ لو انتم بالله و آیاته توقنون

ثمرۀ این حکم آنکه چون عود کل بسوی مظاهر تکبیر میگردد که عنصر تراب ذکر میشود در آن و منتهی عروج تراب اول رتبه او حجر است تا آنکه بمنتهی رتبه صفا که حد بلوریت هست رسد که آن وقت اسم صمد در حق او ظاهر شود لعل در حین عود کل در چنین اجساد جوهریه ذاتیه مستقر گردند و مدل بر حق شوند بتکبیر او و الله یهدی من یشاء بامره انه عزیز منیع.

